فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی/سال هشتم/ شماره ۲۹ /بهار ۹۵/صفحات ۱۳۱- ۱۰۳

بررسی رابطه‌ی بین کیفیت حسابرسی و تجدید ارائه صورت‌های مالی ناشی از مدیریت سود و مدیریت وجه نقد در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

نصیبه ساریخانی *
الهه برزگر**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۹/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۳/۲۳

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه کیفیت حسابرسی و تجدید ارائه صورت‌های مالی ناشی از مدیریت سود و مدیریت جریان نقد در بورس اوراق بهادار تهران است. نمونه آماری این پژوهش شامل ۱۶۴ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است که در بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳ مورد بررسی قرار گرفته است. در راستای پاسخ‌گویی به سؤال‌های پژوهش، نه فرضیه طراحی و مورد آزمون قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد بین معیارهای کیفیت حسابرسی و تجدید ارائه، رابطه معناداری وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر، با افزایش کیفیت حسابرسی، احتمال تجدید ارائه ناشی از مدیریت سود و تجدید ارائه ناشی از مدیریت وجه نقد کاهش می‌یابد. بین اندازه حسابرس و تخصص حسابرس با هر سه معیار تجدید ارائه رابطه منفی و معنادار وجود دارد. افزون بر این، بین دوره تصدی و تجدید ارائه در حالت کلی و تجدید ارائه ناشی از مدیریت سود، رابطه مثبت و معنادار مشاهده شد.

* کارشناس ارشد حسابداری، گروه حسابداری، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران
Email: sarikhani64@yahoo.com
** استادیار حسابداری، گروه حسابداری، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)
Email: barzegar@iaushiraz.ac.ir

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

واژه‌های کلیدی: تجدید ارائه صورت‌های مالی، کیفیت حسابرسی، تجدید ارائه ناشی از مدیریت سود، تجدید ارائه ناشی از مدیریت جریان نقد.

۱- مقدمه

حجم زیاد رسوایی‌های حسابداری در طی چند سال اخیر منجر به سلب اعتماد عمومی از شرکت‌های بزرگ و مؤسسات حسابرسی آن‌ها شده است. عمده این رسوایی‌ها با تجدید ارائه صورت‌های مالی همراه بوده است. ارائه مجدد صورت‌های مالی برای بازار سرمایه حاوی اطلاعات جدید است. در اغلب موارد، ارائه مجدد بیانگر وجود مشکلات در سیستم کنترل داخلی شرکت-هایی بوده است که شهرت و ارزش آن‌ها در بازار آسیب دیده و حتی در برخی اوقات منجر به ورشکستگی آن‌ها شده است (کاظمی، ۱۳۹۰). تجدید ارائه اعتبار گزارش‌های مالی آینده شرکت را زیر سؤال می‌برد، به دلیل این‌که قبلاً اطلاعات مالی با کیفیت پایین منتشر شده است. این افزایش در تجدید ارائه صورت‌های مالی و زیان متعاقب سهامداران، نظارت عمومی قابل‌توجهی بر حسابرسان در جهت حصول اطمینان از کیفیت صورت‌های مالی را می‌طلبد (رومانس و همکاران[1]، ۲۰۰۸).

حسابرسان مستقل نقش حیاتی در اعتباربخشی به صورت‌های مالی و همچنین حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران ایفا می‌کنند. گرچه مسئولیت تهیه و ارائه‌ی صورت‌های مالی با مدیریت واحد اقتصادی است؛ صورت‌های مالی حسابرسی شده، محصول مشترک صاحب‌کار و حسابرس در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین، به اعتقاد سزرنی و همکاران[2] (۲۰۱۳) تجدید ارائه صورت‌های مالی می‌تواند شکست حسابرسی نیز تلقی شود. افزایش نظارت بر حرفه حسابرسی پس از افزایش شمار تجدید ارائه‌ها تعجب‌آور نیست؛ زیرا قصور حسابرس در کشف اشتباهات به عنوان یکی از عوامل این افزایش تلقی شده است. این قصور می‌تواند ناشی از کوتاهی حسابرس در انجام وظایف محوله، محدودیت‌های موجود در کار حسابرسی یا هر دو باشد. بر اساس ادبیات نظری و تجربی موجود (برای نمونه، استانلی[3] و دیزوت[4]، ۲۰۰۷؛ رومانوس و همکاران، ۲۰۰۸؛ چین[5] و چی[6]،

1 Romanus et al.
2 Czerney et al.
3 Stanley
4 DeZoort
5 Chin
6 Chi

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

۲۰۰۹؛ بلانکی و همکاران[1]، ۲۰۱۴؛ و فایلس و همکاران[2]، ۲۰۱۴) تجدید ارائه صورت‌های مالی و انعکاس تعدیلات سنواتی در گزارش‌های مالی به‌صورت مستمر، تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد. ویژگی‌های حسابرس شامل، دوره تصدی حسابرس، اندازه حسابرس، تخصص در صنعت حسابرس و تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی، از جمله مواردی است که از طریق تأثیرگذاری بر کیفیت حسابرسی بر تجدید ارائه صورت‌های مالی و تکرار آن تأثیرگذار است. با توجه به مطالب عنوان شده انتظار می‌رود رابطه میان کیفیت حسابرسی و تجدید ارائه صورت‌های مالی منفی باشد. هدف این پژوهش بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر تجدید ارائه صورت‌های مالی است و هر دو جنبه تجدید ارائه را در بر می‌گیرد. تجدید ارائه غیرنقدی ناشی از مدیریت اقلام تعهدی که بر صورت سود و زیان و ترازنامه تأثیرگذار خواهد بود و تجدید ارائه نقدی که از دست‌کاری جریانات نقدی ایجاد می‌شود؛ به عبارت دیگر، بر اساس تعریف جیانگ و همکاران (۲۰۱۵: ۱۲۵) اگر شرکتی طی سال مالی، صورت‌های مالی خود را تجدید ارائه کند و این تجدید ارائه باعث تغییر اقلام ترازنامه و صورت سود و زیان شود، تجدید ارائه ناشی از مدیریت سود[3] و اگر این تجدید ارائه باعث تغییر در صورت جریان نقد گردد، تجدید ارائه ناشی از مدیریت جریان نقد[4] روی داده است.

تفکیک تجدید ارائه به طبقات مختلف حائز اهمیت است؛ زیرا ریسک دعاوی حقوقی برای حسابرسان در انواع مختلف تجدید ارائه متفاوت است. نتایج پژوهش‌های مختلف نشان داده است که حسابرسی با کیفیت بالا رفتارهای خوش‌بینانه مدیریت اقلام تعهدی را محدود می‌کند (چن و همکاران[5]، ۲۰۱۱). افزون بر این، ادبیات موجود در زمینه مدیریت وجه نقد نشان داده است که شرکت‌ها اطلاعات جریان‌های نقدی را نیز دست‌کاری می‌کنند (ژانگ[6]، ۲۰۰۹؛ لی[7]، ۲۰۱۲). این موضوع این باور سنتی را که وجه نقد قابل دست‌کاری نبوده و معیاری است که می‌توان از طریق آن اعتبار سود را سنجید به چالش می‌کشاند. به علاوه، بررسی نحوه نظارت حسابرسان بر هر دو نوع دست‌کاری گزارشگری مالی، دارای اهمیت است؛ زیرا هم اقلام تعهدی و هم جریان‌های نقدی حاصل از عملیات در تصمیمات ارزش‌گذاری توسط سرمایه‌گذاران مورد استفاده قرار می‌گیرند.

1 Blankly et al.
2 Files et al.
3 Earnings Management Restatements
4 Cash flow Restatements
5 Chen et al.
6 Zhang
7 Lee

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

از آنجا که حسابرسان نقش نظارت بر شرکت و حمایت از سرمایه‌گذار را بر عهده دارند بایستی به هر دو نوع تجدید ارائه توجه کنند.

در سال‌های اخیر پژوهش‌های زیادی در رابطه با کیفیت حسابرسی با متغیرهایی مانند مدیریت سود (نمازی و همکاران، ۱۳۸۹)، هزینه‌های نمایندگی (بیرامی و رستمی، ۱۳۹۳)، حق‌الزحمه حسابرس و تجربه حسابرس (نیکبخت و همکاران، ۱۳۹۵) و غیره مورد بررسی قرارگرفته است. به علاوه، رابطه تجدید ارائه صورت‌های مالی و متغیرهایی مانند حاکمیت شرکتی (موسوی و همکاران، ۱۳۹۴)، ریسک اطلاعات (اخگر و علیخانی،۱۳۹۳)، کیفیت اقلام تعهدی (آقایی و همکاران، ۱۳۹۲)، تغییر حسابرس مستقل (حیدری، ۱۳۹۳) و همچنین در مورد اهمیت، فراوانی و ماهیت تجدید ارائه (ساعی و همکاران، ۱۳۹۲) در ایران انجام شده است. این در حالی است که پژوهش حاضر برای اولین بار در ایران، ارتباط بین کیفیت حسابرسی و تجدید ارائه صورت‌های مالی را در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، مورد بررسی قرار خواهد داد. همچنین، پژوهش حاضر برخلاف پژوهش‌های پیشین با طبقه‌بندی تجدید ارائه به تجدید ارائه ناشی از مدیریت سود و تجدید ارائه ناشی از جریان نقد، یک استدلال نظری برای پیش‌بینی نظارت حسابرسی بر این دو نوع تجدید ارائه فراهم کرده و درک درستی از نقش و سهم حرفه حسابرسی در پیشرفت شفافیت در محیط گزارشگری مالی را نشان می‌دهد. همچنین، یافته‌های این پژوهش به ادبیات نظری و پیشینه پژوهش‌های انجام یافته در این زمینه کمک می‌کند.

لذا با توجه به ماهیت گسترده تجدید ارائه صورت‌های مالی در بازار اوراق بهادار ایران طی سال‌های گذشته و اهمیت کیفیت حسابرسی و با توجه به نبود پژوهش مشابهی در این زمینه؛ این پژوهش در جستجوی تبیین رابطه میان کیفیت حسابرسی و تجدید ارائه ناشی از مدیریت سود و تجدید ارائه ناشی از جریان نقد است. در ادامه مبانی نظری پژوهش، فرضیه‌ها، روش‌شناسی و یافته‌های پژوهش ارائه گردیده و در پایان نیز نتیجه‌گیری و همچنین پیشنهادها و محدودیت-های پژوهش ارائه می‌شود.

۲- مبانی نظری

امروزه تجدید ارائه صورت‌های مالی و کیفیت حسابرسی، هر دو رویدادهایی هستند که موجب جلب‌توجه عموم سرمایه‌گذاران می‌شوند و تجدید ارائه صورت‌های مالی بااهمیت، عاملی است که می‌تواند قابلیت اتکای اطلاعات مالی منتشره را در هاله‌ای از ابهام قرار دهد و همچنین موجب گمراهی سرمایه‌گذاران شود، بنابراین وجود تعدیلات سنواتی در دوره‌های متوالی و رواج آن میان شرکت‌های ایرانی، به اعتبار صورت‌های مالی صدمه می‌زند و موجب تخصیص و توزیع ناکارآمد

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

ثروت در جامعه و کاهش اعتماد مردم به بازارهای سرمایه می‌گردد. بنا به تعریف اداره حسابداری کل آمریکا[1] (۲۰۰۲) تجدید ارائه را می‌توان یک رویداد بااهمیت دانست که نشان‌دهنده کیفیت پایین گزارشگری مالی دوره‌های گذشته است. تجدید ارائه نوعی از تحریف است که به دلیل نبود اصول پذیرفته‌شده حسابداری یا گزارشگری مالی رخ می‌دهد (دمریکان[2] و فورمن[3]، ۲۰۱۴).

این موضوع نگرانی زیادی را درباره کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی ایجاد کرده است. پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهند که پس از تجدید ارائه صورت‌های مالی، شرکت‌ها با عواقب نامطلوب اقتصادی مواجه می‌شوند؛ مانند واکنش منفی قیمت سهام که بلافاصله بعد از اعلام تجدید ارائه دیده می‌شود (برای نمونه، اندرسون[4] و یوهان[5]، ۲۰۰۲؛ وو[6]، ۲۰۰۲؛ پالمروس و همکاران[7]، ۲۰۰۴؛ ویلسون[8]، ۲۰۰۸؛ چن و همکاران، ۲۰۱۴) افزایش هزینه سرمایه (برای نمونه، هریبار[9] و جنکینس[10]، ۲۰۰۴؛ ویویک و همکاران[11]، ۲۰۱۳) افزایش تکیه سرمایه‌گذاران بر پیش‌بینی تجدیدنظر شده تحلیل‌گران (برای نمونه، بارنیو و همکاران[12]، ۲۰۰۹) افزایش گردش مدیریتی (برای نمونه، سرینیواسان[13]، ۲۰۰۵؛ ارتود و همکاران[14]، ۲۰۰۶؛ دسایی و همکاران[15]، ۲۰۰۶ و باراکس[16]، ۲۰۱۰) جایگزینی و تغییر هیئت‌مدیره و اعضای کمیته حسابرسی (برای نمونه، سرینیواسان، ۲۰۰۵؛ اگراوال[17] و کوپر[18]، ۲۰۰۷؛ فایلس و همکاران، ۲۰۱۴) و افزایش خطر دادخواهی (برای نمونه، پالمروس و همکاران، ۲۰۰۴؛ دمریکان و فورمن، ۲۰۱۴) و کاهش افشای به‌موقع (برای نمونه، بادرسچر[19] و باراکس، ۲۰۱۱) روبرو شوند.

1 General Accounting Office America (GAO)
2 Demirkan
3 Fuerman
4 Andrson
5 Yohn
6 Wu
7Palmros et al.
8Wilson
9 Hribar
10Jenkins
11Vivek et al.
12Barniv et al.
13Srinivasan
14Arthaud et al.
15Desai et al.
16Burks
17Agrawal
18 Cooper
19Badertscher

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

دیاز و همکاران[1] (۲۰۱۴) کیفیت را احتمال ارائه نظر مشروط یک حسابرس، در مورد صورت‌های مالی تعریف می‌کنند. برای محاسبه‌ی کیفیت حسابرسی از معیارهای مختلفی، همچون تخصص حسابرس در صنعت، دوره‌ی تصدی‌گری، اندازه‌ی مؤسسه حسابرسی، کاربرگ‌ها، ساعات حسابرسی به‌عنوان جانشینی برای کیفیت استفاده می‌شود. همچنین حق‌الزحمه حسابرسی نیز در بسیاری پژوهش‌ها به‌عنوان شاخصی برای کیفیت حسابرسی معرفی شده است (صالحی و همکاران، ۱۳۹۲). مطالعات گذشته نشان داده است که ویژگی حسابرس از جمله اندازه موسسه، شهرت حسابرس، تخصص حسابرس، می‌تواند بر کیفیت حسابرسی و الزام کارفرما به تجدید ارائه ارقام صورت‌های مالی در سال بعد مؤثر باشد (کیند، ۲۰۰۸) در همین زمینه اگروال و چادها[2] (۲۰۰۵) دریافتند که رابطه معنی‌داری بین کیفیت حسابرسی با تجدید ارائه صورت‌های مالی وجود دارد. لین و همکاران (۲۰۰۶) حتی یک ارتباط مثبت بین کیفیت حسابرسی و ارائه مجدد را پیدا کردند که نشان می‌داد که حسابرسان بزرگ و معتبر، احتمال بیشتری برای صدور ارائه مجدد دارند. برخلاف آن‌ها عبدلی و همکاران (۱۳۹۲) دریافتند که بین اندازه حسابرس و تجدید ارائه رابطه منفی و معنادار وجود دارد. به باور فایلس و همکاران (۲۰۱۴) ویژگی‌های حسابرسان و شدت تجدید ارائه، بر تکرار تجدید ارائه صورت‌های مالی مؤثر است. همچنین احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی در بین صاحب‌کاران شرکت‌هایی که توسط موسسه‌های حسابرسی کوچک‌تر حسابرسی شده‌اند، بیشتر است. لازر و همکاران (۲۰۰۴) در پژوهش خود دریافتند که شرکت‌های دارای دوره تصدی طولانی‌تر علاقه‌ای به ارائه مجدد صورت‌های مالی ندارند.

از آنجا که تجدید ارائه صورت‌های مالی علامت آشکاری از کیفیت پایین گزارشگری مالی در سال‌های قبل از تجدید ارائه صورت‌های مالی است، لذا وجود حسابرسان دارای تخصص صنعت می‌تواند به مدیریت در کشف هرچه سریع‌تر اشتباهات حسابداری و نیز رعایت صحیح قوانین و مقررات کمک نماید. پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهد که تخصص در صنعت نقش بااهمیتی در تشخیص کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی ایفا می‌کند. به‌طوری‌که اسدی افخم و زلقی (۱۳۹۴) دریافتند که هنگام استفاده از حسابرس متخصص، تجدید ارائه حداقل می‌شود.

1 Díaz et al.
2 Chadha

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

۳- پیشینه پژوهش

۳-۱- پیشینه خارجی

بال و همکاران[1] (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای تأثیر روابط حسابرس را بر کیفیت حسابرسی بررسی نمودند. نمونه مورد بررسی آن‌ها ۲۶۶ شرکت بود. نتایج پژوهش شواهدی تجربی برای ارزیابی کیفیت حسابرسی با دوره تصدی حسابرسی ارائه نمود و نشان داد که یک ارتباط منفی بین طول دوره تصدی و کیفیت حسابرسی وجود دارد.

جیانگ و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی اثر کیفیت حسابرسی بر تجدید ارائه در چین پرداختند. نمونه موردبررسی آن‌ها شامل ۵۵۷ مشاهده بود. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر آن بود که دست‌کاری سود، احتمال مشاهدات تجدید ارائه ناشی از مدیریت سود را افزایش می‌دهد، اما حسابرسی باکیفیت بالا این اثر را محدود می‌کند. بااین‌حال، آن‌ها چنین شواهدی برای تجدید ارائه ناشی از جریان نقدی پیدا نکردند، به عبارتی افزایش کیفیت حسابرسی اثری بر تجدید ارائه ناشی از جریان نقدی ندارد.

فایلس و همکاران (۲۰۱۴) به ارائه شواهد تجربی از عوامل مؤثر بر تجدید ارائه صورت‌های مالی پرداختند. نمونه مورد بررسی آن‌ها شامل ۲۲۱۲ مشاهده بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که ویژگی‌های حسابرسان و شدت تجدید ارائه، بر تکرار تجدید ارائه صورت‌های مالی مؤثر است. همچنین احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی در بین صاحب‌کاران شرکت‌هایی که توسط موسسه‌های حسابرسی کوچک‌تر حسابرسی شده‌اند بیشتر است.

دیاز و همکاران (۲۰۱۴) تأثیر دوره تصدی حسابرس را بر کیفیت حسابرسی با استفاده از ۲۵۴ شرکت بررسی کردند. بر اساس یافته‌های پژوهش، بین کیفیت حسابرسی و دوره‌ی تصدی حسابرس رابطه معنادار وجود دارد و افزایش طول دوره تصدی، کیفیت حسابرسی را کاهش می‌دهد.

۳-۲- پیشینه داخلی

نیکبخت و همکاران (۱۳۹۵) رابطه بین حق‌الزحمه حسابرسی و تجربه حسابرس با کیفیت حسابرسی را بررسی نمودند. نمونه موردبررسی آن‌ها شامل ۱۰۹ شرکت بود. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر آن بود که بین تغییر حق‌الزحمه حسابرس و کیفیت حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

1 Ball et al.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

اخگر و علیخانی (۱۳۹۳) در پژوهش خود با بررسی تأثیر تجدید ارائه بر ریسک اطلاعاتی در ۱۱۵ شرکت، طی سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۳۹۱ نشان دادند که تجدید ارائه صورت‌های مالی با ریسک اختیاری رابطه معناداری دارد.

عبدلی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود تأثیر ویژگی‌های حسابرس بر تجدید ارائه صورت‌های مالی را بررسی نمودند. نمونه مورد بررسی آن‌ها شامل ۱۳۰ شرکت طی یک دوره سه‌ساله بود. نتایج حاصل از پژوهش آن‌ها بیانگر این بود که بین چرخش حسابرس و اندازه موسسه حسابرسی با میانگین ارقام تجدید ارائه شده در صورت‌های مالی رابطه‌ی منفی و معنادار وجود دارد.

۴- فرضیه‌های پژوهش

به‌طورمعمول تجدید ارائه شاخصی از کیفیت پایین گزارشگری مالی تلقی می‌شود (کینی و همکاران[1]، ۲۰۰۴؛ و لین و همکاران، ۲۰۰۶). کمیسیون بورس اوراق بهادار، تجدید ارائه را به‌عنوان قصور حسابرسی در نظر می‌گیرد (فورمن، ۱۹۹۷). هم‌راستا با این ادعا، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تجدید ارائه، خطر پرونده‌های حقوقی از جمله دعاوی حقوقی علیه حسابرسان را افزایش می‌دهد (جیانگ و همکاران، ۲۰۱۵). در هر حال تجدید ارائه صورت‌های مالی نه‌تنها موجب تنزیل کیفیت گزارشگری مالی می‌شود؛ بلکه کیفیت حسابرسی را نیز زیر سؤال می‌برد. پژوهش‌های متعددی (برای نمونه، نچل و وانسترانل[2]، ۲۰۰۷؛ جکسون و همکاران[3]، ۲۰۰۸) نشان داده‌اند که دوره تصدی منجر به افزایش کیفیت حسابرسی می‌شود. با این حال لوینتال و فیچمن[4] (۱۹۸۸) و دیس و گیروس[5] (۱۹۹۲) به نتایج مخالفی دست یافتند.

نتایج پژوهش بال و همکاران (۲۰۱۵) رابطه منفی میان دوره تصدی و کیفیت حسابرسی نشان داد. همچنین، بر اساس یافته‌های فایلس و همکاران (۲۰۱۵) و عبدلی و همکاران (۱۳۹۲) رابطه منفی میان اندازه موسسه حسابرسی و تعداد تجدید ارائه وجود دارد. تخصص، جایگزینی برای تجربه حسابرس بر اساس آموزش و تجربه عملی است که از حسابرسی در یک صنعت خاص به دست می‌آید. برخی پژوهش‌ها تخصص صنعت موسسه حسابرسی را به کیفیت حسابرسی مرتبط کرده‌اند. در یک مطالعه تجربی لوو[6] (۲۰۰۴) دریافت که تخصص در صنعت باعث بهبود

1 kinney et al.
2 Knechel and Vanstraelen
3 Jackson et al.
4 Levinthal and Fichman
5 Deis and Giroux
6 Low

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

ارزیابی ریسک حسابرسی و همچنین کیفیت تصمیمات مرتبط با برنامه‌ریزی حسابرسی می‌شود. دیس و گیروکس (۱۹۹۲) رابطه مثبتی بین تجربه تخصصی حسابرس و کیفیت حسابرسی دولتی یافتند. راندال و همکاران[1] (۲۰۱۵) نشان دادند مؤسسات حسابرسی متخصص، کیفیت حسابرسی بالاتری دارند. به اعتقاد ساراواکو و آگوئسب[2] (۲۰۱۴) تخصص حسابرس در صنعت و استقلال وی تأثیر قابل توجهی در اجرای روش‌های حسابرسی برای کشف تقلب داشته و تأثیر قابل‌توجهی بر کیفیت حسابرسی می‌گذارد. بر اساس برخی مطالعات (به عنوان نمونه، لوونشون و همکاران، ۲۰۰۷، راشلیت و وانگ، ۲۰۰۹) بین تخصص حسابرس در صنعت و کیفیت حسابرسی رابطه مثبت وجود دارد. برگن[3] (۲۰۱۳) به نتایج متناقضی دست یافت و نشان داد که تخصص حسابرس در صنعت بر کیفیت حسابرسی تأثیری ندارد.

در این پژوهش چون برای تعیین کیفیت حسابرسی از سه شاخص اندازه حسابرس، دوره تصدی حسابرس و تخصص حسابرس در صنعت استفاده می‌گردد، بنابراین، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تدوین و مورد آزمون قرار می‌گیرد:

فرضیه‌ی اول: بین اندازه حسابرس و تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

فرضیه‌ی دوم: بین دوره تصدی حسابرس و تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

فرضیه‌ی سوم: بین تخصص حسابرس و تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

اثربخشی نظارت حسابرسی بر مدیریت سود به دلایل زیر بیشتر است. اولاً، معمولاً اعتقاد بر این است سودی که بر مبنای تعهدی تهیه می‌شود ذاتاً نیاز بیشتری به برآورد حسابداران دارد. این امر، امکان گزارش‌های فرصت‌طلبانه بیشتری را فراهم می‌کند. ازاین‌رو، سرمایه‌گذاران اغلب به دست‌کاری سود مشکوک هستند. در ادبیات حسابداری شواهد بسیاری (برای نمونه، چن و یوان[4]، ۲۰۰۴؛ دینگ و همکاران[5]، ۲۰۰۷؛ فرث و همکاران[6]، ۲۰۰۷) از مدیریت سود و رسوایی‌های حسابداری در سال‌های اخیر وجود دارد که باعث خشم عمومی و توجه بین‌المللی شده است؛

1 Randal et al.
3 Sarwoko and Agoes
3 Bergen
4 Yuan
5 Ding et al.
6 Firth et al.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

بنابراین، عمده نگرانی اعتبار حسابرسان در زمینه‌ی تحریف حساب‌های درآمد و دارایی است. دست‌کاری سود موضوعی است که با بررسی و نظارت عمومی دقیق و افکار منفی کشف می‌شود. طبق پژوهش جیانگ و همکاران (۲۰۱۵) دست‌کاری سود، احتمال مشاهدات تجدید ارائه ناشی از مدیریت سود را افزایش می‌دهد، اما حسابرسی باکیفیت بالا این اثر را محدود می‌کند. با توجه به این نگرانی، حسابرسان باکیفیت بالا باید انگیزه‌ای برای تلاش بیشتر جهت تشخیص گزارش دهی نادرست مرتبط با مدیریت سود داشته باشد. ازاین‌رو با توجه به معیارهای کیفیت حسابرسی، سه فرضیه بعدی طراحی و تدوین می‌گردد:

فرضیه‌ی چهارم: بین اندازه حسابرس و تجدید ارائه صورت‌های مالی ناشی از مدیریت سود رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

فرضیه‌ی پنجم: بین دوره تصدی حسابرس و تجدید ارائه صورت‌های مالی ناشی از مدیریت سود رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

فرضیه‌ی ششم: بین تخصص حسابرس در صنعت و تجدید ارائه صورت‌های مالی ناشی از مدیریت سود رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

به اعتقاد جیانگ و همکاران (۲۰۱۵: ۴) اثر نظارت حسابرسان بر مدیریت جریان نقدی ممکن است به دلایل زیر قابل‌تشخیص نباشد. در مرحله اول، جریان نقد ناشی از عملیات که به‌عنوان نتیجه حسابداری نقدی مرسوم است، کمتر ذهنی تلقی شده و در نتیجه نیاز کمتری به بررسی دقیق حسابرس دارد. به‌علاوه، دست‌کاری جریان نقدی موضوعی است که به‌تازگی به ادبیات دانشگاهی وارد شده و قانون‌گذاران و حسابرسان ممکن است به آن توجه کافی نشان ندهند. می‌توان گفت حسابرسان باید تمامی تلاش خود را جهت کشف و تصحیح همه‌ی تحریف‌های بااهمیت ازجمله دست‌کاری جریان نقدی بکار گیرند. اگر این‌گونه باشد، اجرای حسابرسی باکیفیت بالا تحریف‌های بااهمیت در جریان نقدی را محدود کرده که منجر به کاهش احتمال تجدید ارائه جریان نقدی خواهد شد. با توجه به ماهیت دوطرفه این استدلال و نبود شواهد تجربی کافی در این زمینه، سه فرضیه‌ی بعدی نیز تدوین و مورد آزمون قرار می‌گیرد:

فرضیه‌ی هفتم: بین اندازه حسابرس و تجدید ارائه صورت‌های مالی ناشی از مدیریت وجه نقد رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

فرضیه‌ی هشتم: بین دوره تصدی حسابرس و تجدید ارائه صورت‌های مالی ناشی از مدیریت وجه نقد رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

فرضیه‌ی نهم: بین تخصص حسابرس در صنعت و تجدید ارائه صورت‌های مالی ناشی از مدیریت وجه نقد رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

۵-روش پژوهش

۵-۱- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تشکیل می‌دهد. نمونه‌گیری به روش حذفی سامانمند صورت گرفته است. نمونه انتخابی شرکت‌هایی هستند که مجموعه شرایط زیر را دارا باشند:

- شرکت‌های نمونه دارای سال مالی منتهی به پایان سال تقویمی (۲۹ اسفند) باشند.
- نمونه شامل شرکت‌هایی از نوع تأمین‌کننده‌ی مالی، سرمایه‌گذاری و بیمه‌ای نباشند.
- داده‌های متغیرهای پژوهش برای شرکت‌های موردنظر قابل‌دسترس باشد.

با توجه به شرایط فوق، تعداد ۱۶۴ شرکت (۱۴۷۶ سال- شرکت) در دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳ به عنوان نمونه انتخاب گردید.

۵-۲- روش پژوهش و جمع‌آوری اطلاعات

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی و بر اساس اهداف از نوع کاربردی است. به‌منظور تدوین مبانی نظری از مطالعات کتابخانه‌ای استفاده شده و داده‌های موردنیاز از طریق سایت رسمی بورس اوراق بهادار دریافت می‌شود. لازم به ذکر است که متغیرهای پژوهش با نرم‌افزار Excel محاسبه و سپس داده‌ها به‌صورت تلفیقی/ترکیبی[1] در سطح کل شرکت‌ها با استفاده از نرم‌افزار Eviews 6 تجزیه‌وتحلیل شده است. همچنین قبل از آزمون فرضیه‌های پژوهش، پایایی (ایستایی)، آمار توصیفی و همبستگی بین متغیرها مورد بررسی قرار گرفته و سپس به تخمین مدل‌های رگرسیونی حداکثر درستنمایی-لوجیت باینری (لجستیک) جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته شده است. مهم‌ترین ویژگی مدل رگرسیون لجستیک این است که نیازی به برقراری فرض‌های نرمال بودن و همسانی ماتریس‌های کوواریانس ندارد.

۵-۳- شیوه آزمون فرضیه‌های پژوهش و مدل‌های پژوهش

در این پژوهش پس از اندازه‌گیری متغیرهای مورداستفاده در پژوهش، برای آزمون سه فرضیه اول، مدل رگرسیونی ذیل در حالت ترکیبی تخمین زده می‌شود:

رابطه ۱

$$RES_{it} = \beta_0 + \beta_1 AQ_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 CAPINT_{it} + \beta_4 ISSUE_{it} + \beta_5 CYCLE_{it} + \beta_6 PE_{it} + \beta_7 CR_{it} + \beta_8 LOSS_i + \beta_9 LEV_{it} + \beta_{10} ATO_{it} + \beta_1 SOE_{it} + \delta_{it}$$

1 Pool/Panel

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

که در مدل فوق:

RES_{it} : متغیر مجازی تجدید ارائه صورت‌های مالی در شرکت i در پایان سال مالی t.

β_0 الی β_{11} : ضرایب متغیرهای مدل

AQ_{it} : کیفیت حسابرسی شرکت i در پایان سال مالی t که به‌منظور سنجش آن از سه معیار اندازه حسابرس، دوره تصدی حسابرسی و تخصص حسابرس در صنعت استفاده می‌گردد.

$SIZE_{it}$: اندازه شرکت i دردوره t.

$CAPINT_{it}$: شدت سرمایه برای شرکت i در دوره t، که از تقسیم دارایی‌های ثابت مشهود بر فروش به دست می آید.

$ISSUE_{it}$: افزایش قابل‌توجه سهام در دست سهامدار، شاخصی متغیر است که اگر شرکت i در سال t، تعداد سهام منتشره را بیش از ۱۰٪ افزایش دهد، ارزش یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می شود.

$CYCLE_{it}$: چرخه عملیاتی، $\left[\frac{۳۰}{\text{(فروش موجودی روزانه + حساب دریافتنی)}}\right]$ برای شرکت i در دوره t.

PE_{it}: نسبت قیمت به سود برای شرکت i در دوره t.

CR_{it}: نسبت جاری برای شرکت i در دوره t، که از تقسیم دارایی‌های جاری بر بدهی‌های جاری محاسبه می‌گردد.

$LOSS_{it}$: زیان‌ده بودن شرکت i در دوره t، اگر شرکت طی سال مالی، زیان خالص گزارش کرده باشد، عدد یک و در غیر این صورت، عدد صفر لحاظ می‌شود.

LEV_{it}: اهرم مالی شرکت i در دوره t ، از تقسیم کل بدهی‌ها بر کل دارایی‌ها (جمع کل دارایی‌های جاری، ثابت، مشهود) محاسبه می‌گردد.

ATO_{it}: گردش دارایی‌ها برای شرکت i در دوره t ، از تقسیم کل فروش بر کل دارایی محاسبه می‌گردد.

SOE_{it}: شرکت‌های دولتی، اگر شرکت‌های که بیشتر سهامشان در دست دولت باشد (بیش از ۵۰٪)، مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر.

ε_{it}: جمله اخلال مدل است.

در این پژوهش جهت محاسبه تجدید ارائه صورت‌های مالی ناشی از مدیریت سود از عنوان (NCRES) نشات گرفته از مدیریت اقلام تعهدی مؤثر بر اقلام صورت سود و زیان و ترازنامه و جهت محاسبه تجدید ارائه ناشی از جریان نقدی از عنوان (CRES) نشات گرفته از دست‌کاری

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

جریان نقدی استفاده می‌شود. همچنین جهت آزمون سه فرضیه بعدی، مدل رگرسیونی ذیل در حالت ترکیبی تخمین زده می‌شود:

رابطه ۲

$$NCRES_{it} = \beta_0 + \beta_1 AQ_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 CAPINT_{it} + \beta_4 ISSUE_{it} + \beta_5 CYCLE_{it} + \beta_6 PE_{it} + \beta_7 CR_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \beta_9 LEV_{it} + \beta_{10} ATO_{it} + \beta_{11} SOE_{it} + \delta_{it}$$

که در مدل فوق:

$NCRES_{it}$: متغیر مجازی تجدید ارائه صورت‌های مالی ناشی از مدیریت سود در شرکت i در پایان سال مالی t.

برای آزمون سه فرضیه آخر نیز مدل رگرسیونی ذیل در حالت ترکیبی تخمین زده می‌شود:

رابطه ۳

$$\mathrm{CRES}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \mathrm{AQ}_{\mathrm{it}} + \beta_2 \mathrm{SIZE}_{\mathrm{it}} + \beta_3 \mathrm{CAPINT}_{\mathrm{it}} + \beta_4 \mathrm{ISSUE}_{\mathrm{it}} + \beta_5 \mathrm{CYCLE}_{\mathrm{it}} + \beta_6 \mathrm{PE}_{\mathrm{it}} + \beta_7 \mathrm{CR}_{\mathrm{it}} + \beta_8 \mathrm{LOSS}_{\mathrm{it}} + \beta_9 \mathrm{LEV}_{\mathrm{it}} + \beta_{10} \mathrm{ATO}_{\mathrm{it}} + \beta_{11} \mathrm{SOE}_{\mathrm{it}} + \delta_{\mathrm{it}}$$

که در مدل فوق:

$CRES_{it}$ متغیر مجازی تجدید ارائه صورت‌های مالی ناشی از مدیریت وجه نقد در شرکت i در پایان سال مالی t.

۵-۴- متغیرهای پژوهش

۵-۴-۱- متغیر وابسته

متغیر وابسته این پژوهش، تجدید ارائه صورت‌های مالی شرکت‌ها است. در این پژوهش تجدید ارائه به دو دسته تجدید ارائه ناشی از مدیریت سود و تجدید ارائه ناشی از مدیریت جریان نقد تقسیم می‌گردد که هر یک به‌طور مستقل تعریف و تشریح می‌گردد.

تجدید ارائه صورت‌های مالی در حالت کلی

تجدید ارائه صورت‌های مالی[1] یک متغیر مصنوعی است. در این پژوهش اگر شرکت طی سال مالی، صورت‌های مالی را تجدید ارائه کرده باشد، عدد یک و در غیر این صورت، عدد صفر لحاظ می‌شود (حیدری، ۱۳۹۳؛ موسوی و همکاران، ۱۳۹۴).

1 RES

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

تجدید ارائه صورت‌های مالی ناشی از مدیریت سود

اگر شرکت طی سال مالی، صورت‌های مالی خود را تجدید ارائه کند و این تجدید ارائه باعث تغییر اقلام ترازنامه و صورت سود و زیان شود، عدد یک و در غیر این صورت، عدد صفر لحاظ می‌شود (جیانگ و همکاران، ۲۰۱۵).

تجدید ارائه صورت‌های مالی ناشی از مدیریت جریان نقد

اگر شرکت طی سال مالی، صورت‌های مالی خود را تجدید ارائه کند و این تجدید ارائه باعث تغییر در اقلام صورت جریان نقد گردد، عدد یک و در غیر این صورت، عدد صفر لحاظ می‌شود (جیانگ و همکاران، ۲۰۱۵).

۵-۴-۲- متغیر مستقل

متغیر مستقل در این پژوهش کیفیت حسابرسی است که برای تعیین آن از سه شاخص اندازه حسابرس، دوره تصدی حسابرس و تخصص حسابرس در صنعت به‌صورت متغیرهای مجازی استفاده می‌شود. پژوهش‌های بسیاری (نمازی و همکاران ۱۳۸۹، بیرامی و رستمی، ۱۳۹۳) از این تعریف جهت اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی استفاده نموده‌اند.

اندازه حسابرس:

در این پژوهش حسابرسان (موسسه‌های حسابرسی) به دو گروه تقسیم‌بندی شده‌اند. به این منظور سازمان حسابرسی به دلیل وجود کارکنان فراوان و قدمت بیشتر در زمره حسابرس بزرگ و سایر مؤسسات حسابرسی در زمره حسابرس کوچک (مؤسسات حسابرسی کوچک) قرار می‌گیرند (حساس یگانه و آذین‌فر، ۱۳۸۹). در این پژوهش نیز، برای شرکت‌هایی که توسط سازمان حسابرسی شده‌اند عدد یک و برای سایر مؤسسات عدد صفر در نظر گرفته شده است.

دوره تصدی حسابرس:

در تاریخ ۸ مرداد ۱۳۸۶، سازمان بورس و اوراق بهادار تهران در اجرای بیست و چهارمین مصوبه شورای عالی آن سازمان، در راستای حمایت از حقوق و منافع سرمایه‌گذاران، سامان‌دهی و توسعه بازار اوراق بهادار و نظر به ضرورت نظارت عالیه بر امور بازار سرمایه، دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار را تصویب کرد. در این دستورالعمل، چرخش منظم مؤسسات و شریک حسابرسی در دوره زمانی چهار ساله الزامی شد. تصویب دستورالعمل یادشده برای کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران صورت گرفت. با توجه به این دستورالعمل و پژوهش نمازی و همکاران (۱۳۸۹) جهت محاسبه دوره

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

تصدی حسابرس، در مدل رگرسیونی برای شرکت‌هایی که طی چهار سال، حسابرس خود را تغییر نداده‌اند، عدد یک و برای سایر شرکت‌ها، عدد صفر لحاظ می‌گردد.

تخصص حسابرس در صنعت:

در این پژوهش از سهم بازار به‌عنوان شاخصی برای تخصص حسابرس در صنعت بهره گرفته می‌شود؛ زیرا اولویت صنعت را نسبت به سایر حسابرسان نشان می‌دهد. هر چه سهم بازار حسابرس بیش‌تر باشد، تخصص صنعت و تجربه حسابرس نسبت به سایر رقیبان بیش‌تر است. داشتن سهم غالب بازار به این معناست که حسابرس به‌طور موفقیت‌آمیزی خود را از سایر رقیبان از لحاظ کیفیت حسابرسی متمایز کرده است. سهم بازار حسابرسان از طریق فرمول زیر اندازه-گیری می‌شود:

$$\text{سهم بازار حسابرسان} = \frac{\text{مجموع دارایی‌های تمام صاحب‌کاران هر موسسه حسابرسی در صنعت خاص}}{\text{مجموع دارایی‌های تمام صاحب‌کاران در این صنعت}}$$

مؤسساتی در این پژوهش به‌عنوان متخصص صنعت در نظر گرفته می‌شوند که سهم بازارشان (یعنی معادله فوق) بیش از مقدار $\left[\frac{۱}{۲} \times \left(\frac{۱}{\text{تعداد شرکت‌های موجود}}\right)\right]$ باشد (پالمروس، ۱۹۸۶).

پس از محاسبه سهم بازار یک مؤسسه حسابرسی، اگر مقدار به‌دست‌آمده از مقدار معادله فوق بیش‌تر باشد، مؤسسه حسابرسی در آن صنعت متخصص است. اگر حسابرس متخصص صنعت باشد، SPL عدد یک و در غیر این صورت برابر صفر فرض می‌شود (ریچلت[1] و وانگ[2]، ۲۰۰۹).

۵-۴-۳- متغیرهای کنترلی

در پژوهش حاضر، اندازه شرکت (SIZE)، شدت سرمایه (CAPINT)، افزایش قابل‌توجه سهام (ISSUE)، چرخه عملیاتی (CYCLE) (استانداردشده از طریق تقسیم‌بر عدد ۱۰۰۰)، نسبت قیمت به درآمد (PE)، نسبت جاری (CR)، زیان‌ده بودن (LOSS)، اهرم مالی (LEV)، گردش دارایی (ATO) و مالکیت دولتی (SOE) به‌عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شده‌اند، زیرا انتظار داریم با افزایش این متغیرها، احتمال این که شرکت از کیفیت حسابرسی بالاتری برخوردار باشد، افزایش یابد. پژوهش‌های دیگری چون جیانگ و همکاران، (۲۰۱۵) و کاحان و سان (۲۰۱۵) نیز از این متغیرهای کنترلی استفاده کرده‌اند.

1 Reichelt
2 Wang

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

۶- تجزیه‌وتحلیل یافته‌های پژوهش

۶-۱- بررسی آمار توصیفی متغیرها در سطح کل شرکت‌ها

آمار توصیفی به تلخیص، توصیف و توضیح ویژگی‌های مهم داده‌ها اشاره دارد بر این اساس در این پژوهش آمار توصیفی متغیرهای کمی پژوهش در سطح کل شرکت‌ها در جدول یک ارائه شده است.

جدول (۱) آمار توصیفی متغیرهای کمی پژوهش در سطح کل شرکت‌ها

معیارها / متغیرها	تعداد	میانگین	میانه	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار	ضریب تغییرات
اندازه شرکت SIZE	۱٤۷٦	۱۳/۵۹	۱۳/٤۷	۱۸/٤۵	۹/۸۲	۱/۳۸	۰/۱۰
شدت سرمایه CAPINT	۱٤۷٦	۰/٤۰	۰/۲۳	۲/۳۷	۰/۰۱	۰/٤٦	۱/۱۵
چرخه عملیاتی CYCLE	۱٤۷٦	۰/۲۵	۰/۲۱	۱/۰۱	۰/۰۲	۰/۲۰	۰/۸۰
نسبت قیمت به درآمد PE	۱٤۷٦	۷/۲۱	۵/۵۰	۳۵/٦۱	-٦/۸۳	۸/۵٦	۱/۱۹
نسبت جاری CR	۱٤۷٦	۱/۳۷	۱/۲۲	٤/۳۷	۰/۱٦	۰/۷٤	۰/۵٤
اهرم مالی LEV	۱٤۷٦	۰/٦۲	۰/٦۳	۰/۹۲	۰/۰۲	۰/۲۰	۰/۳۲
گردش دارایی ATO	۱٤۷٦	۰/۸۲	۰/۷٦	٤/۷۷	۰/۰۷	۰/٤۹	۰/۵۹

منبع: یافته‌های پژوهش

در بین متغیرهای کنترلی و کمی پژوهش، متغیرهای شدت سرمایه و نسبت قیمت به درآمد دارای بیش‌ترین ضریب تغییرات و پراکندگی و درنتیجه کم‌ترین ثبات و پایداری و در مقابل، اندازه شرکت و اهرم مالی دارای کم‌ترین ضریب تغییرات و پراکندگی و در نتیجه بیش‌ترین ثبات و پایداری طی دوره پژوهش بوده‌اند. این امر حاکی از آن است که شرکت‌های مورد بررسی ازنظر شدت سرمایه و نسبت قیمت به درآمد، تفاوت چشمگیری باهم داشته‌اند. این در حالی است که ازلحاظ بزرگی و میزان بدهی در ساختار سرمایه شرکت، تفاوت قابل‌ملاحظه‌ای با یکدیگر نداشته‌اند.

۶-۲- بررسی پایایی متغیرهای پژوهش در سطح کل شرکت‌ها

در پژوهش حاضر، برای تعیین پایایی متغیرهای پژوهش از آزمون لوین، لین و چو[1] استفاده‌شده است. نتایج این آزمون بیانگر این موضوع است که متغیرها طی دوره پژوهش در

1 Levin, Lin and Chu

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

سطح[1] پایا بوده‌اند، چراکه مقدار احتمال برای آزمون مذکور کم‌تر از پنج درصد بوده است. سنجش پایایی در رابطه با متغیرهای مجازی (دووجهی)، نامفهوم است و لذا از ارائه آن خودداری شده است.

جدول (۲) آزمون پایایی متغیرهای پژوهش

نوع آزمون / متغیرها	مقدار آماره لوین، لین و چو	احتمال آماره لوین، لین و چو
اندازه شرکت SIZE	-۵/۱۸	۰/۰۰۰۰
شدت سرمایه CAPINT	-۲۰/۲۰	۰/۰۰۰۰
چرخه عملیاتی CYCLE	-٦٦/٧٤	۰/۰۰۰۰
نسبت قیمت به درآمد PE	-۳۰/۸۷	۰/۰۰۰۰
نسبت جاری CR	-۸/۱۵	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی LEV	-٥٦٩/٨٤	۰/۰۰۰۰
گردش دارایی ATO	-١٦/٦٢	۰/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

۶-۳- آزمون فرضیه‌های پژوهش

در این پژوهش جهت آزمون فرضیه‌ها از روش رگرسیونی حداکثر درستنمایی- لوجیت باینری (لجستیک) در سه حالت مختلف استفاده شده است؛ چراکه متغیر وابسته پژوهش (کیفیت حسابرسی) به‌صورت متغیر مجازی (دووجهی) است. در هر سه مدل به‌منظور تعیین معنی‌داری کل مدل رگرسیونی از آماره ضریب تعیین مک فادن و آماره نسبت درستنمایی استفاده می‌گردد. مهم‌ترین ویژگی مدل رگرسیون لجستیک این است که نیازی به برقراری فرض‌های نرمال بودن و همسانی ماتریس‌های کوواریانس ندارد.

1 Level

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ی اول، دوم و سوم:

نتایج حاصل از آزمون فرضیات اول، دوم و سوم در جدول سه ارائه شده است:

جدول (۳) مدل رگرسیونی تأثیر اندازه حسابرس، دوره تصدی و تخصص در صنعت بر تجدید ارائه صورت‌های مالی

متغیرها	ضرایب رگرسیونی	مقدار آماره Z	احتمال آماره Z	ضریب تعیین مک فادن	مقدار آماره نسبت درستنمایی	احتمال آماره نسبت درستنمایی
اندازه حسابرس AS	-۰/۱۲	-۵/۴۲	۰/۰۰۰۰	۰/۲۰۷	۲۸/۴۱۵	۰/۰۰۰۰
دوره تصدی حسابرس AT	۰/۶۸	۳/۲۶	۰/۰۰۱۱	۰/۱۷۲	۲۳/۱۹۵	۰/۰۱۶۵
تخصص حسابرس در صنعت SPL	-۰/۵۰	-۳/۶۹	۰/۰۰۰۰	۰/۱۹۶	۲۷/۶۳۰	۰/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج فرضیه‌ی اول نشان می‌دهد که رابطه اندازه حسابرس و تجدید ارائه صورت‌های مالی، منفی (۰/۱۲-) و با توجه به احتمال آماره Z (۰/۰۰۰۰) معنی‌دار می‌باشد؛ بنابراین، فرضیه فرعی اول مورد تأیید واقع می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که اندازه حسابرس بر تجدید ارائه صورت-های مالی، تأثیر معکوس دارد. به‌عبارت‌دیگر، در شرکت‌های حسابرسی شده توسط مؤسسات بزرگ حسابرسی از قبیل سازمان حسابرسی، میزان تجدید ارائه صورت‌های مالی، کم‌تر بوده است؛ یعنی؛ با افزایش کیفیت حسابرسی بر اساس معیار اندازه حسابرس، تجدید ارائه صورت‌های مالی به‌طور چشمگیری کاهش می‌یابد. با توجه به ضریب تعیین مک فادن حدود ۰/۲۰۷ از تغییرات تجدید ارائه صورت‌های مالی طی دوره پژوهش تحت تأثیر اندازه حسابرس و متغیرهای کنترلی بوده است.

نتایج فرضیه فرعی دوم نشان می‌دهد که رابطه دوره تصدی حسابرس و تجدید ارائه صورت-های مالی، مثبت (۰/۶۸) و با توجه به‌احتمال آماره Z (۰/۰۰۱۱) معنی‌دار می‌باشد. ازاین‌رو فرضیه فرعی دوم مورد تأیید واقع می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد با افزایش دوره تصدی مؤسسات حسابرسی در شرکت‌های بورسی، میزان تجدید ارائه صورت‌های مالی، به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. نتایج مربوط به‌احتمال آماره نسبت درستنمایی (۰/۰۱۶۵) حاکی از معنی‌دار بودن مدل رگرسیونی در حالت کلی است.

نتایج فرضیه فرعی سوم نشان می‌دهد که رابطه تخصص حسابرس در صنعت و تجدید ارائه صورت‌های مالی، منفی (۰/۵۰-) و با توجه به‌احتمال آماره Z (۰/۰۰۰۰) و معنی‌دار می‌باشد. این

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

موضوع نشان می‌دهد با افزایش کیفیت حسابرسی بر اساس معیار تخصص حسابرس در صنعت، تجدید ارائه صورت‌های مالی به‌طور چشمگیری کاهش می‌یابد؛ بنابراین، فرضیه فرعی سوم نیز مورد تأیید واقع می‌شود.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ی چهارم، پنجم و ششم:

نتایج حاصل از آزمون فرضیات چهارم، پنجم، ششم در جدول چهار ارائه شده است. نتایج فرضیه‌ی چهارم نشان می‌دهد که رابطه اندازه حسابرس بر تجدید ارائه صورت‌های مالی ناشی از مدیریت سود منفی (۰/۰۹-) و با توجه به‌احتمال آماره Z (۰/۰۰۰۰) معنی‌دار است، بنابراین رابطه معکوسی دارد. ازاین‌رو، فرضیه فرعی چهارم مورد تأیید واقع می‌شود.

جدول (٤) مدل رگرسیونی تأثیر اندازه حسابرس، دوره تصدی و تخصص در صنعت بر تجدید ارائه ناشی از مدیریت سود

متغیرها	ضرایب رگرسیونی	مقدار آماره Z	احتمال آماره Z	ضریب تعیین مک فادن	مقدار آماره نسبت درستنمایی	احتمال آماره نسبت درستنمایی
اندازه حسابرس AS	-۰/۰۹	-۸/۰۳	۰/۰۰۰۰	۰/۲۱۱	۲۹/۸۱٦	۰/۰۰۰۰
دوره تصدی حسابرس AT	۰/٤۲	۲/٤۱	۰/۰۱۵۹	۰/۲۱٤	۲۹/۹٤۸	۰/۰۰۰۰
تخصص حسابرس در صنعت SPL	-۰/۱٤	-٤/۱۸	۰/۰۰۰۰	۰/۲۲۱	۳۰/۲٤۱	۰/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج فرضیه‌ی چهارم نشان می‌دهد که رابطه دوره تصدی حسابرس و تجدید ارائه صورت‌های مالی ناشی از مدیریت سود، مثبت (۰/۴۲) و با توجه به‌احتمال آماره Z (۰/۰۱۵۹) معنی‌دار می‌باشد. این موضوع نشان می‌دهد که دوره تصدی حسابرس بر تجدید ارائه صورت‌های مالی ناشی از مدیریت سود، تأثیر مستقیم دارد. ازاین‌رو، فرضیه فرعی پنجم با توجه به تأثیر مستقیم (نه معکوس) مورد تأیید واقع نمی‌شود.

نتایج فرضیه‌ی چهارم نشان می‌دهد که رابطه تخصص حسابرس در صنعت و تجدید ارائه صورت‌های مالی ناشی از مدیریت سود، منفی (۰/۱۴-) و با توجه به‌احتمال آماره Z (۰/۰۰۰۰) معنی‌دار می‌باشد؛ بنابراین، فرضیه فرعی ششم نیز مورد تأیید واقع می‌شود.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ی هفتم، هشتم و نهم:

نتایج حاصل از آزمون فرضیات هفتم، هشتم و نهم در جدول هفت ارائه شده است. نتایج فرضیه‌ی هفتم نشان می‌دهد که رابطه اندازه حسابرس و تجدید ارائه صورت‌های مالی ناشی از مدیریت وجه نقد، منفی (۰/۲۴-) و با توجه به‌احتمال آماره Z (۰/۰۰۰۰) معنی‌دار است بنابراین فرضیه هفتم مورد تأیید واقع می‌شود.

نتایج فرضیه‌ی هشتم نشان می‌دهد که رابطه دوره تصدی حسابرس و تجدید ارائه صورت‌های مالی ناشی از مدیریت وجه نقد، مثبت (۰/۱۵) ولی با توجه به‌احتمال آماره Z (۰/۴۱۵۵)، معنی‌دار نیست. ازاین‌رو، فرضیه فرعی هشتم مورد تأیید واقع نمی‌شود.

جدول (۷) مدل رگرسیونی تأثیر اندازه حسابرس، دوره تصدی و تخصص در صنعت بر تجدید ارائه ناشی از مدیریت وجه نقد

متغیرها	ضرایب رگرسیونی	مقدار آماره Z	احتمال آماره Z	ضریب تعیین مک فادن	مقدار آماره نسبت درستنمایی	احتمال آماره نسبت درستنمایی
اندازه حسابرس AS	-۰/۲٤	-۳/٦٤	۰/۰۰۰۰	۰/۱۷۵	۲٦/۲۲۲	۰/۰۰۰۱
دوره تصدی حسابرس AT	۰/۱۵	۰/۸۱	۰/٤۱۵۵	۰/۱۱۳	۲٦/۲٦٦	۰/۰۰۰۰
تخصص حسابرس در صنعت SPL	-۰/۲۳	-۳/۳۸	۰/۰۰۰۰	۰/۱۷۱	۲۷/۰۵۹	۰/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج فرضیه‌ی نهم نشان می‌دهد که رابطه تخصص حسابرس در صنعت و تجدید ارائه صورت‌های مالی ناشی از مدیریت وجه نقد، منفی (۰/۲۳-) و با توجه به‌احتمال آماره Z (۰/۰۰۰۰) معنی‌دار می‌باشد. این موضوع نشان می‌دهد با افزایش کیفیت حسابرسی بر اساس معیار تخصص حسابرس در صنعت، تجدید ارائه صورت‌های مالی ناشی از مدیریت وجه نقد به‌طور چشمگیری کاهش می‌یابد؛ بنابراین، فرضیه فرعی نهم مورد تأیید واقع می‌شود.

۷-بحث و نتیجه‌گیری

تجدید ارائه صورت‌های مالی و کیفیت حسابرسی از دیرباز موردتوجه پژوهشگران و سرمایه‌گذاران بوده است. این پژوهش برخلاف پژوهش‌های پیشین، از طریق افتراق تجدید ارائه به تجدید ارائه ناشی از مدیریت سود و تجدید ارائه ناشی از مدیریت جریان نقد، ادبیات تجدید ارائه را گسترش داده و همچنین با استفاده از دوره زمانی نه‌ساله (۱۳۸۵-۱۳۹۳)، بازه مناسبی

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

جهت تعیین کیفیت حسابرسی می‌باشد. افزون بر این، با استفاده از سه معیار کیفیت حسابرسی، این اندازه‌گیری به نحو مناسبی انجام شده است. همچنین یافته‌های این مقاله درک درستی از نقش حسابرسی، به عنوان یک مکانیسم حاکمیتی در اقتصاد ایران ارائه کرده و سهم حرفه حسابرسی در پیشرفت شفافیت در محیط گزارشگری مالی را نشان می‌دهد، از طرفی تفکیک تجدید ارائه به طبقات مختلف حائز اهمیت است؛ زیرا ریسک دعاوی حقوقی برای حسابرسان در انواع مختلف تجدید ارائه متفاوت است.

نتایج حاصل از فرضیه‌ی اول، بیانگر این است که؛ اگر صورت‌های مالی توسط موسسه حسابرسی باکیفیت بالا انجام شود، باعث می‌گردد که مدیر یک سری اشتباهات را انجام ندهد و به دنبال مدیریت سود نباشد و اگر هم اشتباهی در صورت‌های مالی موجود باشد، موسسه‌ای که به‌اندازه کافی بزرگ باشد از کنترل کیفیت بالاتری برخوردار بوده و در رعایت استانداردها سخت‌گیرانه عمل نموده بنابراین میزان تجدید ارائه نیز کاهش می‌یابد که این نتایج مطابق یافته‌های عبدلی و همکاران (۱۳۹۲) و فایلس و همکاران (۲۰۱۴) بوده و برخلاف یافته‌های لین و همکاران (۲۰۰۶) است. نتایج حاصل از فرضیه‌ی دوم بیانگر این است که با افزایش طول دوره تصدی حسابرسی، کیفیت حسابرسی نیز افزایش می‌یابد که به‌تبع آن نیز تجدید ارائه افزایش می‌یابد که این نتایج برخلاف یافته‌های لازر و همکاران (۲۰۰۴) است.

نتایج حاصل از فرضیه‌ی سوم بیانگر این است که اگر حسابرسان متخصص باشند می‌توانند به مدیریت در کشف هرچه سریع‌تر اشتباهات حسابداری و نیز رعایت صحیح قوانین و مقررات کمک نماید و اشتباه را در همان سال اصلاح نموده و منجر به تعدیل سنواتی نمی‌گردد؛ بنابراین با این تفاسیر افزایش کیفیت حسابرسی منجر به کاهش تجدید ارائه صورت‌های مالی می‌گردد که نتایج پژوهش مطابق با یافته‌های اسدی افخم و زلقی (۱۳۹۴) است، ازاین‌رو فرضیه‌ی اول، دوم و سوم پژوهش مورد تأیید واقع می‌شوند.

با توجه به نتایج حاصل از فرضیه‌ی چهارم، پنجم، ششم؛ حسابرسی باکیفیت بالا، احتمال دست‌کاری سود را کاهش داده و با توجه به اینکه تجدید ارائه ناشی از اصلاح اشتباهات، تعدیلات سنواتی و ... است بنابراین با بزرگ‌تر شدن موسسه حسابرسی و افزایش تخصص حسابرس، تجدید ارائه ناشی از مدیریت سود کاهش می‌یابد که احتمالاً این به دلیل نگرانی مقامات نظارتی و بررسی شدید آن‌ها در مورد مدیریت سود می‌باشد. ازاین‌رو، فرضیه چهارم و ششم پژوهش در حالت استفاده از اندازه حسابرس و تخصص حسابرس در صنعت به‌عنوان معیار کیفیت حسابرسی، مورد تأیید واقع می‌شوند که این نتایج با یافته‌های جیانگ و همکاران (۲۰۱۵) سازگار است. در حالت

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

استفاده از دوره تصدی حسابرس به‌عنوان معیار کیفیت حسابرسی، مورد تأیید واقع نمی‌شود؛ که منطبق با نظر دیاز و همکاران (۲۰۱۴) است.

با توجه به کمتر ذهنی تلقی شدن جریان نقد ناشی از عملیات و نو بودن موضوع دست‌کاری جریان نقد، حسابرسان باید تمامی تلاش خود را جهت کشف و تصحیح همه‌ی تحریف‌های بااهمیت ازجمله دست‌کاری جریان نقدی بکار گیرند. اگر این‌گونه باشد، اجرای حسابرس باکیفیت بالا تحریف‌های بااهمیت در جریان نقدی را محدود کرده که منجر به کاهش احتمال تجدید ارائه جریان نقدی خواهد شد. ازاین‌رو، فرضیه‌ی هفتم و نهم پژوهش در حالت استفاده از اندازه حسابرس و تخصص حسابرس در صنعت به‌عنوان معیار کیفیت حسابرسی، مورد تأیید واقع می-شوند که نتایج حاصل با یافته‌های جیانگ و همکاران (۲۰۱۵) همخوانی ندارد. و در حالت استفاده از دوره تصدی حسابرس به‌عنوان معیار کیفیت حسابرسی، مورد تأیید واقع نمی‌شود.

۸-پیشنهادهای پژوهش

با توجه به فراوانی تجدید ارائه در شرکت‌های ایرانی و عدم اطلاع سرمایه‌گذاران از معایب و عواقب آن و همچنین با توجه به نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش، به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود هنگام تجزیه تحلیل برای خرید سهام شرکت‌ها به معیارهای کیفیت حسابرسی توجه داشته باشند؛ زیرا مؤسسات حسابرسی بزرگ و حسابرسان متخصص موجب کاهش تجدید ارائه می‌گردد. به مدیران پیشنهاد می‌شود که اگر هدفشان، فراهم کردن اعتماد مالکان شرکت است بنابراین از حسابرسان متخصص در صنعت و همچنین از مؤسسات حسابرسی بزرگ استفاده نمایند.

به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می شود برای مشخص شدن ارزش واقعی شرکت‌ها، شفاف‌سازی اطلاعاتشان و درک بهتر عملکردشان، قوانین و مقرراتی را اتخاذ کنند که تا حد امکان شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس در طول سال‌های متمادی از وجود حسابرسان باکیفیت جهت حسابرسی صورت‌های مالی استفاده کنند. چون با افزایش کیفیت حسابرسی می‌توانند تجدید ارائه صورت‌های مالی را کنترل کرده و امکان سو استفاده از آن را محدود کنند. علاوه بر این پیشنهاد می‌شود که سازمان بورس اوراق بهادار در قیمت‌گذاری سهام شرکت‌ها دوره تصدی و تخصص موسسه‌ی حسابرسی در صنعت و اندازه موسسه حسابرسی را مدنظر داشته باشند.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

منابع

۱- آقایی، محمدعلی؛ زلقی، حسن؛ اعتمادی، حسین و انواری رستمی، علی‌اصغر (۱۳۹۲)؛ «تأثیر تجدید ارائه صورت‌های مالی بر کیفیت اقلام تعهدی»، **پژوهش‌های تجربی حسابداری**، شماره ۷، ۱۴۷-۱۱۹.

۲- اخگر، محمد امید؛ علیخانی، آرزو (۱۳۹۳)؛ «بررسی تأثیر ارائه مجدد صورت‌های مالی بر ریسک اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران»، فصلنامه علمی پژوهشی **حسابداری مالی**، شماره ۲۲، ۸۸-۶۸.

۳- اسدی افخم، جواد؛ زلقی، حسن، (۱۳۹۴)؛ «تخصص صنعت حسابرس و تجدید ارائه اقلام عملیاتی»، **اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و حسابداری با رویکرد ارزش‌آفرینی، تهران**.

۴- بیرامی، لاله؛ رستمی، وهاب (۱۳۹۳)؛ «تأثیر کیفیت حسابرسی بر هزینه‌های نمایندگی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران»، **مجله اقتصادی**، شماره‌های ۹ و ۱۰، ۴۱-۵۴.

۵- حساس یگانه، یحیی؛ آذین‌فر، کاوه (۱۳۸۹)؛ «رابطه بین کیفت حسابرسی و اندازه موسسه حسابرسی»، **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، شماره،۶۱، ۹۸-۸۵.

۶- حیدری، مهدی (۱۳۹۳)؛ «رابطه تجدید ارائه صورت‌های مالی با تغییر حسابرس مستقل»، **پژوهش‌های تجربی حسابداری**، شماره ۱۲،۲۱۵-۱۹۷.

۷- ساعی، محمدجواد؛ باقر پور ولاشانی، محمدعلی؛ موسوی بایگی، سید ناصر (۱۳۹۲)؛ «بررسی فراوانی و اهمیت تجدید ارائه صورت‌های مالی»، **پژوهش‌های حسابداری مالی**، شماره ۱۵، ۶۷-۸۶.

۸- صالحی، مهدی؛ موسوی شیری، محمود؛ سدیر نوغانی، حجت (۱۳۹۲)؛ «بررسی رابطه‌ی حق‌الزحمه حسابرس و عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران»، فصلنامه علمی پژوهشی**حسابداری مالی**، شماره ۲۰، ۲۱-۱.

۹- عبدلی، محمدرضا؛ فعال قیومی، علی؛ پرتویی، ناصر (۱۳۹۲)؛ «تاثیر ویژگی‌های حسابرس بر تجدید ارائه صورت‌های مالی»، **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، شماره ۳، ۱۰۰-۸۵.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

۱۰- کاظمی، حسین (۱۳۹۰)؛ «تجدید ارائه صورت‌های مالی: عوامل مؤثر و واکنش نسبت به آن‌ها»، **دانش و پژوهش حسابداری**، سال ۷، شماره ۲۴، ۷۷-۱۸.

۱۱- موسوی، سیدرضا؛ جباری حسین و طالب بیدختی، عباس (۱۳۹۴)؛ «حاکمیت شرکتی و تجدید ارائه صورت‌های مالی»، **پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی**، شماره ۲۵، ۱۱۹-۹۷.

۱۲- نمازی، محمد؛ بایزیدی، انور؛ جبار زاده کنگرلویی، سعید (۱۳۸۹)؛ «بررسی رابطه‌ی بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران»، **تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، شماره ۹، ۱۸-۱.

۱۳- نیکبخت، محمدرضا؛ شعبان زاده، مهدی؛ کنارکار، امین (۱۳۹۵)؛ «رابطه بین حق‌الزحمه حسابرسی و تجربه حسابرس با کیفیت حسابرسی»، **مطالعات مدیریت و حسابداری**، دوره ۲، شماره ۱، ۲۰۸-۱۹۰.

14- Agrawal, A; Chadha, S. (2005); "Corporate governance and accounting scandals", **Journal of Law and Economics**, Vol. 48, No.2, PP. 371–406.

15- Agrawal, A; Cooper, T. (2007); "Corporate governance consequences auditor of accounting scandals, evidence from top management, CFO and Turnover", **Working paper, The University of Alabama**, pp.1-44.

16- Anderson, K; Yohn, T. (2002); "The effect of 10K restatements on firm value, Information asymmetries, and Investors' reliance on earnings". **Working Paper, Georgetown University.**

17- Arthaud-Day, M.L; Certo, ST; Dalton, CM; Dalton, D. R. (2006); "A changing of the guard: executive and director turnover following corporate financial restatements", **Academy Management Journal**, Vol. 49, No. 6, pp.1119-1136.

18- Badertscher, B; Burks, J. (2011); "Accounting restatements and the timeliness of disclosures", **Accounting Horizons**, Vol. 25, pp.609–629.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

19- Ball, F; Tyler, j; Wells, P. (2015); "Is audit quality impacted by auditor relationships", **Journal of Contemporary Accounting and Economics**, Vol. 11, pp.166–181.
20- Barniv, R; Cao, J .(2009); "Does information uncertainty affect investors' responses to analysts' forecast revisions? An investigation of accounting restatements", **Journal of Accounting Public Policy**, Vol. 28, pp. 328–348.
21- Bergen, Daphne. (2013); "Auditor Industry Specialization and Audit Quality: The longitudinal effect of auditor industry specialization on audit quality", **Master Thesis, Tilburg School of Economics and Management, Tilburg University.**
22- Blankly, A. I; Hurtt, DN and MacGregor, J.E. (2014); "The Relationshep between Audit Report Lags and Futur Restatements", **Journal of Practice and Theory**, Vol. 33, No. 2, pp.27-57.
23- Blankly, AI; Hurtt, DN and MacGregor, J.E. (2012); "Abnormal audit fees and restatements auditing", **Journal of Practice and Theory**, Vol. 31, pp. 79-96.
24- Burks, J. (2010); "Disciplinary measures in response to restatements after Sarbanes–Oxley", **Journal Accounting Public Policy**, Vol. 29, pp. 195–225.
25- Cahan, Steven F, Sun. (2015); "The Effect of Audit Experience on Audit Fees and Audit Quality", **Journal of Accounting, Auditing and Finance**, Vol. 30, No.1, pp. 78–100.
26- Chen, H., Chen, J. Z., Lobo, G. J., and Wang, Y. (2011); "Effects of audit quality on earningsmanagement and cost of equity capital: Evidence from China", **Contemporary Accounting Research**, Vol. 28, No. 3, pp. 892–925.
27- Chen, KC W and Yuan, H. (2004); "Earnings management and capital resource allocation: Evidence from China's accounting-based regulation of rights issues", **The Accounting Review,** Vol. 79, No.3, pp. 645–665.
28- Chen, KY; Elder, R J. and Hung, Sh. (2014); "Do post-restatement firms care about financial credibility? Evidence from the pre- and

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

post-SOX eras", **Journal of Accounting Public Policy,** Vol. 33, pp.107–126.

29- Chin, CL; Chi, H.Y. (2009); "Reducing restatement with Increased Industry Expertise", **Contemporary Accounting Research**, Vol. 26, No. 3, pp. 729-765.

30- Czerney, K; Schmidt, JJ and Thompson, A M. (2013); "Does Auditor Explanatory Language in Unqualified Audit Reports Indicate Increased Financial Misstatement Risk?" **American Accounting Association**, Vol. 89, NO.6, pp. 2115-2149.

31- Deis, Donald R., Jr. and Giroux. (1992); "Determinants of audit quality in the public sector", **Accounting Review**, Vol. 67, No. 3, pp. 462–479.

32- Demirkan, S; Fuerman, R.D. (2014); "Auditor litigation: Evidence that revenue restatements are determinative", **Research in Accounting Regulation**, Vol. 26, pp.164–174.

33- Desai, H; Hogan, C; Wilkins, M. (2006); "The reputational penalty for aggressive accounting: earnings restatements and managerial turnover", **Accounting Review**, Vol. 81, No. 1, pp. 83–112.

34- Díaz, B; Fernández, R; Díaz, A. (2014); "Auditor tenure and audit quality in Spanish state-owned foundations**", Revista de Contabilidad – Spanish Accounting Review**, Vol 32, NO. 12, 1-12.

35- Ding, Y; Zhang, H and Zhang, J. (2007); "Private vs. state ownership and earnings management: evidence from Chinese listed companies**"**, **Corporate Governance: an International Review**, Vol. 15, pp. 223–238.

36- Files, R; Sharp, NY and Thomson, A.M. (2014); "Empirical evidence on repeat restatements" **Accounting Horizons**, Vol. 28, pp. 93-123.

37- Firth, M; Fung, PM. Y; Rui, O.M. (2007); "Ownership, two-tier board structure, and the informativeness of earnings evidence from China", **Journal of Accounting and Public Policy**, Vol. 26, No. 4, pp. 463–496.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

38- Fuerman, R. D. (1997); "Naming auditor defendants in securities class actions", **Journal of Legal Economics**, Vol. 7, No. 1, pp. 72–91.

39- GAO (2002); "financial statement restatements: Trends, market impacts, regulatory responses and remaining challenges" GAO-03-138 (Washington, D.C).

40- Hribar, P; Jenkins, N.T. (2004); "The effect of accounting restatements on earnings revisions and the estimated cost of capital", **Review of Accounting Studies**, Vol. 9, pp. 337-356.

41- Jackson, Andrew B., Moldrich and Roebuck (2008); "Mandatory audit firm rotation andaudit quality", **Managerial Auditing Journal**, Vol. 23, No. 5, pp. 420–437.

42- Jiang, H; Habib, A; Zhou, D. (2015); "Accounting restatements and audit quality in China", **Advances in Accounting incorporating Advances in International Accounting**, Vol. 31, pp. 125–135.

43- Kend, M. (2008); "Client industry audit expertise: towards a better understanding", **Pacific Accounting Review**, Vol. 20, pp. 49-62.

44- Kinney, W. R; Palmrose, ZV; Scholz, S. (2004); "Auditor independence and nonaudit services: What do the restatements suggest?" **Journal of Accounting Research**, Vol.42, No.3, pp. 561–588.

45- Knechel, W. Robert**,** and Vanstraelen. (2007); "The relationship between auditor tenureand audit quality implied by going concern opinions", **Auditing: A Journal of Practice and Theory**, Vol. 26, No. 1, pp. 113–131.

46- Lazer, R. J; Livnat, C; Tan E. L. (2004); "Restatements and accruals after auditor changes", **Working paper, New York University.**

47- Lee, L. F. (2012); "Incentives to inflate reported cash from operations using classification and timing", **The Accounting Review**, Vol. 87, No. 1, pp. 1–33.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

48- Levinthal, Daniel A. and Fichman. (1988); "Dynamics of interorganizational attachments: Auditor–client relationship", **Administrative Science Quarterly**, Vol. 33, No. 3, pp. 345–369.
49- Lin, J; Li, J; Yang, J. (2006); "The effect of audit committee performance on earnings quality", **Managerial Auditing Journal**, Vol.21, No. 9, pp. 921–933.
50- Low, Kin Yew. (2004); "The effects of industry specialization on audit risk assessments and audit planning decisions", **The Accounting Review**, Vol. 79, No. 1, pp. 201–219.
51- Lowensohn, Suzanne, Johnson, Elder, and Davies. (2007); "Auditor specialization, perceived audit quality, and audit fees in the local government audit market", **Journal of Accounting and Public Policy,** Vol. 26, No. 6, pp. 705–732.
52- Palmrose, Z V; Richardson, V; Scholz, S. (2004); "Determinants of market reactions to restatement announcements", **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 37, pp. 59–89.
53- Palmrose, Z.V. (1986); "The Effect of Non-audit Services on the Pricing of Audit Services: Further Evidence", **Journal of Accounting Research**, Vol. 24, No. 2, pp. 405-411.
54- Randal J. Elder, Lowensohn and Reck (2015); "Audit Firm Rotation, Auditor Specialization, and Audit Quality in the Municipal Audit Context", **Journal of Governmental & Nonprofit Accounting American Accounting Association**, Vol. 4, No. 1, pp. 73-100.
55- Reichelt, K J; Wang, D (2009); "National and Office-Specific Measures of Auditor Industry Expertise and Effects on Audit Quality", **Journal of Accounting Research**, Vol. 48, No. 3, pp. 647-686.
56- Romanus, RN; Maher, J. J and Fleming D. M. (2008); "Auditor industry specialization, audit changes, and accounting restatements", **Accounting Horizons**, Vol. 22, No. 4, pp. 389–413.
57- Sarwoko, Iman. Agoes (2014); "An empirical analysis of auditor's industry specialization, auditor's independence and audit

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

procedures on audit quality: Evidence from Indonesia", **Social and Behavioral Sciences**, Vol. 164, pp. 271 – 281.

58- Srinivasan, S. (2005); "Consequences of financial reporting failure for outside directors: evidence from accounting restatements", **Journal of Accounting Reserch**, Vol. 43, pp. 291–334.

59- Stanley, JD; DeZoort, F.T. (2007); "Audit firm tenure and financial restatements: analysis of industry specialization and fee effects", **Journal of Accounting and Public Policy**, Vol. 26, pp. 131–159.

60- Vivek, M; Myungsoo, S. (2013); "Do financial restatements lead to auditor changes? Auditing", **Journal of Practice and Theory,** Vol. 32, No. 2, pp. 119-145.

61- Wilson, W. M .(2008); "An empirical Analysis of the Decline in the information content of earning following Restatements", **the Accounting Review**, Vol. 83, No. 2, pp. 519-548.

62- Wu, M. (2002); "Earnings restatements: A capital market perspective", **Working Paper. New York University**, pp. 1-54.

63- Zhang, R. (2009); "Cash flow management in the Chinese stock market: An empirical assessment with comparison to the U.S. market", **Frontiers of Business Research in China**, Vol. 2, pp. 301–322.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]